

نظریه ها در علوم اجتماعی بر خلاف علوم فیزیکی ثابت نبوده و در طول زمان با تحولات فکری و پیشرفت های تکنولوژیکی کاربرد خود را از دست میدهد و نظریه های جدیدی ساخته و پرداخته میشود. کما اینکه نظریه های سوسیالیستی و کاپیتالیستی، دیگر به صورت کلاسیک کاربرد خود را از دست داده است حتی مبانی نظریه دهکده جهانی که مربوط به بیش از پنجاه سال قبل است یا زمانی که تلفن همراه و اینترنت هنوز مورد استفاده عموم قرار نگرفته بود، تغییر کرده است، ما میتوانیم جهان امروز را با ویژگیهای موج و دیجیت جهان همراه بنامیم. زیرا هر فرد در هر نقطه ای از جهان حتی در یک غار با یک وسیله کوچک میتواند با کل جهان در ارتباط بوده و یا به عبارت دیگر در دست و همراه خود داشته باشد.

با توجه به این مقدمه اکنون به مفهوم استثمار می رسیم و ملاحظه خواهیم کرد که چگونه الگوی استثمار در جهان امروز تغییر کرده است. جوهر اصلی استثمار که بهره کشی فردی یا اجتماعی از افراد و جوامع دیگر میباشد با تاریخ بشر همزاد بوده است. بهره کشی رومیها از بردگان و یا دریافت خراج یک کشور قوی از کشوری ضعیف نمونه باستانی این مفهوم است. اما استثمار به مفهوم کلاسیک آن به قرن شانزدهم میلادی که پرتغالیها و اسپانیایی ها به آمریکای جنوبی دست یافتند شکل دیگری به خود گرفت.

اسپانیایی ها با مجوز شرعی از پاپ اعظم نه فقط از بومیان آمریکای جنوبی بهره کشی می نمودند بلکه در شرایطی آنان را قتل عام نیز میکردند. ضمناً ناگفته نماند که این بهره کشی در بعضی مواقع به بهانه ایجاد عمران و آبادانی و رهبری کشور به سوی پیشرفت از طرف کشور قوی نسبت به کشور ضعیف انجام میگرفت و به همین جهت نام استعمار به خود گرفت که از نظر مفهومی این دو کلمه کاملاً مشابه میباشد.

بریتانیای کبیر از اواخر قرن هجدهم با شروع صنعتی شدن، پرچمدار استعمار گردید. روال کار به این صورت بود که ابتدا عده ای کارشناسان نظامی و اطلاعاتی همراه و در پوشش لباس روحانیون مسیحی به ظاهر برای تبلیغ دین به کشوری مانند هندوستان اعزام می شدند. پس از کسب اطلاعات، کارشناسان اقتصادی برای توسعه تجارت به محل فرستاده می شدند و

ارتباط لازم را با بومیان برقرار میکردند. کم کم در هندوستان بنا به گفته جواهر لعل نهرو از رهبران استقلال و نخست وزیر سابق - با فئودالها ارتباط برقرار کردند و پس از مدتی با بهانه های مانند قتل یک انگلیسی توسط یک افراطی که طبق نقشه خود آنان بود، با استفاده از نیروی نظامی مناطقی را به تصرف در می آورند و به مرور گسترش داده تا کل کشور را تحت استیلای خود در آورند. حتی کوشش کردند که حاشیه امنی برای آن ایجاد کنند و به همین علت کوشیدند افغانستان، چین، ایران و ترکستان را تحت نفوذ داشته باشند.

هدف اصلی در این استثمار این بود که ادویه، چای و مواد خام صنایع مثلاً نساجی را در حالت انحصاری خریداری کرده و با فروش آن سود ببرند و ضمناً مصنوعات خود را مانند پارچه در بازار هندوستان به فروش برسانند.

با توجه به سوابق امر ملاحظه میشود که بریتانیای کبیر برای این مقدار سود هزینه های جانی و مالی بسیار سنگین متحمل میگردد، مثلاً در سال 1842 با قیام مردم افغانستان 16000 انگلیسی قتل عام شدند. ده سال بعد در قیام مردم هند تلفات بسیاری به انگلیسیها وارد شد. عوامل انگلیسی در ترکستان توسط خان خیوه سر بریده شدند. آمار منافع حاصل از این استثمار در دست نیست که در برابر این همه هزینه چه میزان سود بریتانیای کبیر برده است.

اما در جهان امروز تغییرات بنیادی در نظام استثمار به وجود آمده است و بدون کمترین هزینه جانی و مالی بهره کشی به حداکثر میرسد. علم و تکنولوژی پایه و اساس این تغییرات است. با یک بررسی ساده ملاحظه میشود که جوامع دانشمند امکان تولید محصولات با ارزش افزوده غیرقابل تصویری را دارند و نیاز کشورهای استثمار شونده را آنچنان از طریق وسایل ارتباطات جمعی بر میانگیزند که حلقه استثمار را با شتاب خود به گردن میاندازند.

به عنوان نمونه ارزش افزوده یا اختلاف قیمت مواد اولیه مصنوعاتی مانند دوربین دیجیتال، دستگاههای رادیولوژی، سیتی اسکن، کامپیوتر، تلفنهای همراه پیشرفته، هواپیما و بسیاری از این قبیل و قیمت فروش آنها را مورد توجه قرار میدهیم. قیمت دریاچه مصنوعی قلب که از طریق شاهرگ پا وارد قلب و در آنجا قرار داده میشود بیش از هشتصد میلیون ریال است یا اینکه یکی از شرکتهای داروسازی آمریکا 22 میلیارد دلار از یک نوع قرص فقط فروش داشته است. علم و تکنولوژی حتی عامل افزایش قیمت یک حیوان مانند سگ می شود. یک سگ ممکن است برای بسیاری اصلاً فاقد ارزش باشد که با آموزش علمی جهت شناسایی مواد منفجره یا مخدر، میلیاردها ریال ارزش پیدا میکند. حتی بایستی با پیشرفت علم و تکنولوژی

در انتظار این بود که با پرداخت مبالغ بسیار هنگفتی ژن سرطان و ژن پیری را در بدن افراد متقاضی از بین ببرند تا افراد دچار بیماری سرطان نگردند و یا عمر بسیار طولانی داشته باشند!! علم و تکنولوژی است که مواد اولیه بسیار ارزان را به وسایل و ابزار بسیار گران قیمت تبدیل میکند. با این وصف دیگر لازم نیست کشورهای استعماری کشتی جنگی و توپ و تانک و نیروی انسانی برای استعمار به کار برند. در جای خود نشسته و فقط محصولات خود را معرفی میکنند و نیاز کشورهای دیگر را برمیانگیزند. جالبتر اینکه قیمت محصولات را به بالاترین بهاء خود تعیین میکنند. برای تداوم استعمار فقط کفایت که امنیت فکری برای اندیشه پردازی و پیشرفت علمی و امنیت سرمایه گذاری را از یک جامعه گرفت و این کاری است که در خاورمیانه انجام گرفت. با فریب صدام حسین و تحمیل جنگ به ایران که یکی از شاهکارهای تاریخ استعمار است نه فقط ناامنی فکری به وجود آمد بلکه تمام ذخایر منطقه نیز به صورت دلارهای خونین بلعیده شد. افراط کاریها و اختلاف مذهبی را در منطقه از پاکستان تا شامات، یمن و لیبی دامن زدند. فرار مغزها و سرمایه ها تشدید گردید. فساد و فقر این مناطق را در برگرفت. حرکات افراطی در هر یک از این جوامع نه فقط آب بلکه خون مردم را به آسیای استعمار میریزد. در هر سیستمی تعادل حد مطلوب و عقلانی است. یک هواپیما اگر دارای تعادل نباشند سقوط میکند و یک کشتی به قعر دریا میرود. یک جامعه با افکار افراطی مانند یک انسان نامتعادل و تبار است. در طول تاریخ، در هر جامعه ای که به حد تعادل رسید و دارای امنیت فکری و سرمایه ای شد، اندیشه پردازی رشد می یابد. قانون مداری و امنیت فکری در 2500 سال قبل در یونان عامل ظهور دانشمندی چون افلاطون، ارسطو، ارشمیدس و بسیاری دیگر گردید. امنیت فکری در انگلستان عامل پیشرفت و توسعه آن کشور گردید. در 1215 میلادی یعنی درست هشتصد سال قبل فرمانی به امضای پادشاه انگلیس در 63 بند به نام فرمان کبیر رسید که یک بند آن این است:

«هیچ فرد آزادی نیابستی دستگیر، زندانی، خلع مالکیت، تبعید و یا غیرقانونی و یا علیه او اعمال زور شود مگر طبق قضاوت قانونی مانند هموعان خود. حقوق هیچ فردی قابل فروش و یا انکار و یا تاخیر نیست، از این طریق همه جا قانون حاکم است حتی بر پادشاه»

ما نباید تصور کنیم که پادشاه انگلیس عامل پیشرفت و صنعتی شدن گردید بلکه فرهنگ اندیشه ساز آنها بود که انگلیس را به بریتانیای کبیر تبدیل کرد. پادشاهان انگلیس کمترین اثر را در تحولات اجتماعی داشتند. در 1629 وقتی چارلز اول به جرم استبداد محاکمه و گردن زده شد،

یکی از شاهزادگان آلمانی را که حتی زبان انگلیسی نمی دانست به سلطنت برگزیدند که کمترین دخالت در کار حکومت داشت.

خلاصه اینکه توجه به الگو یا تئوری نانوخته استثمار در جهان امروز می تواند پایه بسیاری از حرکات و تصمیمات قرار گیرد که چگونه جامعه ای را از گرفتار شدن در دام استعمارگران نامرئی نجات داد.

ضمناً ناگفته نماند که این موضوع بدین صورت فقط کف داستان است و گرنه کشورهای استعمارگر با تجربیات و ریشه هایی که در مناطق عربی و خاورمیانه دوانیده اند برنامه های استعماری خود را با بیرحمی مهندسی میکنند. دیکتاتوری بر جامعه تحمیل می کنند، راه و روش حکومت را به او می آموزند و به انحاء مختلف منابع ملی را غارت میکنند و به محض اینکه امر به دیکتاتور مشتبه گردید و تصور کرد که صاحب قدرت است عوامل نفوذی را بین مخالفان قرار میدهند و بلایی بر سر کشور دیکتاتور میآورند که قابل تصور نیست و مصداق آن اصطلاحی میگردد که خدایا اگر دوست دانا به من نمی دهی لااقل دشمن نادان بده و بدین ترتیب دشمن نادان استعمارگران میگردند. در این مورد می توان به تاریخ چهل ساله گذشته کشور لیبی و وضع موجود آن به عنوان مصداق این پدیده یا الگوی استعمار جدید توجه کرد.

این مقاله قبلاً در نشریه ماهنامه پیام ابراهیم ویژه نوروز 94 در صفحات 71 و 72 انتشار یافته است.